

# انحلال شوروی و ظهور روسیه ی قدرتمند

از یک دید دیگر



## چرا شوروی در مجلس شراب خوری سه نفره منحل شد؟

(عکس، گورباچف را لحظه ای پیش از ایراد آخرین پیامش که از رادیو - تلویزیون پخش شد نشان می دهد که یلتسین به او می گوید که به صراحت بگوید که دیگر اتحاد شوروی وجود خارجی ندارد.)  
تصویر دیگر (یلتسین، شوشکویچ و کرافچوک سران جمهوری های روسیه، اوکراین و بلاروس)

در سال ۱۹۹۱ این کشور رسماً منحل شده و به چند کشور دیگر تجزیه شد. کشورهای تشکیل دهنده شوروی پیشین با حفظ استقلال خود در اتحاد کشورهای مشترک المنافع (یا کشورهای مستقل همسود) عضو شدند. تنها پس از چند سال از این هنگام بود که آثار قوانین تجارت آزاد و کاپیتالیستی و هجوم فرهنگی غرب به ایالت‌ها و کشورهای وابسته به شوروی آشکار شد. فقر همه جا را در بر گرفت و تا امروز هم همچنان این ناحیه از اروپا که معروف به اروپای شرقی است از لحاظ سطح زندگی و دیگر جوانب از کشورهای پیشرفته عقب است.

پس از فروپاشی ۱۵ کشور جدید تاسیس شدند و فدراسیون روسیه وارث حقوقی شوروی شد، این کشورهای جدید در اروپای شرقی عبارتند از: بلاروس، اوکراین، مولداوی، در حاشیه دریای بالتیک: استونی، لتونی، لیتوانی، در قفقاز گرجستان، آذربایجان ارمنستان، در آسیای مرکزی ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان در آسیای مرکزی. چندین مناقشه ارضی حل نشده نیز وجود دارند: جمهوری های برسمیت شناخته نشده پریدنستروویه در مولداوی، قره باغ در آذربایجان و همچنین اوستیای جنوبی و آبخازی در گرجستان که تابستان ۲۰۰۸ از سوی روسیه و نیکاراگوئه برسمیت شناخته شدند و همین سبب قطع روابط دیپلماتیک بین فدراسیون روسیه و گرجستان شد.

یلتسین، شوشکویچ و کرافچوک سران جمهوری های روسیه، اوکراین و بلاروس هفتم دسامبر در يك محفل خصوصی در استراحتگاه «بلوژفسکایا» واقع در بلاروس تصمیم به انحلال شوروی گرفته بودند. بیست و پنج دسامبر ۱۹۹۱ یلتسین به کرملین رفت و به گورباچف گفت که دیگر سمتی ندارد و باید کاخ کرملین را که وی به آن نیاز فوری دارد تخلیه کند. سران ۱۱ جمهوری از اعضای این اتحادیه در نشست خود در پایتخت قزاقستان تصمیم آن سه تن را پذیرفتند! و این جمهوری ها به صورت يك جامعه مشترك المنافع درآمدند.

یلتسین رئیس جمهوری روسیه در کاخ کرملین با گورباچف رهبر وقت شوروی ملاقات کرد و او را از این تصمیم آگاه ساخت و گفت که دیگر سمتی ندارد. اندکی بعد گورباچف در يك نطق کوتاه تلویزیونی

گفت که با انحلال شوروی به این صورت نمی تواند موافق باشد ولی چون در برابر عمل انجام شده قرار گرفته است چاره دیگری ندارد! . به این ترتیب یک امپراتوری بزرگ تاریخ با آن همه سازوبرگ اتمی - وراکتی، دهها هزار تانک، صدها زیردریایی و پیشرفتهای فضایی همانند برف بر شیروانی داغ ذوب شد و از میان رفت، بدون این که رفراندم برگزار و نظر مردم پرسیده شده باشد. ۸۱ درصد مردم بلاروس در آستانه « تصمیم سه گانه در محفل خصوصی بلوژفسکایا »، در یک رفراندم به ادامه حیات شوروی رای داده بودند. چند ماه پیش از آن هم، پارلمان تمام جمهوریها وضعیت دیگری را تصویب کرده بود. رئیس جمهور آمریکا برای تشکر از اقدام شوشکویچ با وی ملاقات کرد.

قبلا هم یلتسین دو بار از آمریکا دیدن کرده و در کنگره این کشور به ایراد نطق پرداخته و مورد پذیرایی گرم قرار گرفته بود. قبلا نظر داده بودند که حتی با خروج حزب کمونیست از قدرت و تعدیل سوسیالیسم، انحلال شوروی با انسجامی که در آن مشاهده می شد امکان پذیر نخواهد بود .

بسیاری از کارشناسان امور حقوقی عقیده دارند که ضرورت داشت برای انحلال اتحاد جماهیر شوروی به رفراندم و دست کم پارلمان اتحادیه مراجعه می شد و ایراد گرفته اند که سران این جمهوری ها قانونا اختیار انحلال نداشتند و تنها برای افزایش قدرت شخص خود و احیانا تحت نفوذ و وعده های خارجیان با این عمل موافقت کرده بودند. دومای روسیه در زمان حکومت یلتسین، انحلال شوروی را به آن صورت (بدون همه پرسی عمومی) عملی غیر قانونی خواند و در این زمینه يك طرح قانونی تصویب کرد که یلتسین از امضای آن خودداری ورزید و مصوبه همچنان روی میز کرملین باقی ماند. با این که همه بازیگران نمایشنامه انحلال در قید حیاتند؛ هنوز يك در صد حقایق مربوط به این بزرگترین رویداد تاریخ معاصر روشن نشده است! .

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۲۰ دسامبر سال ۱۹۲۲ از مناطق تشکیل دهنده امپراتوری روسیه به وجود آمده بود و خطوط مرزی جمهوری ها که بارها تغییر یافته بود جدی و طبیعی نبود. با فروپاشی شوروی که معمای آن هنوز حل نشده است، در جهان نظمی نو (یک قطبی) برقرار شد. جیمز بیکر سیاستمدار محافظه کار آمریکایی به وضعیت، عنوان نظم نوین ولی این نظم نه تنها موازنه های چهل و پنج ساله در امور جهانی را شکست بلکه آرامش ظاهری سابق را هم برهم زد و مداخله یکجانبه خونین، از کنفدراسیون یوگوسلاوی آغاز شد. اشغال نظامی عراق، استقرار و مداخله خودسرانه در افغانستان، ورود به منطقه فرارود، گسترش ناتو به بالتیک شوروی سابق، نقض عهد و وارد ساختن اعضای پیمان منحه ورشو به ناتو، استقرار کشتی های دائمی در خلیج، تشکیل فرماندهی نظامی در آسیای غربی و بالاخره اجرای طرح انقلابهای مخملی در گرجستان و اوکراین، این نظم را لرزان ساخت و بحران مالی جاری آن را به نقطه پایان نزدیک ساخت.



(راکت اس ۳۰۰) و (یکی از ناوهای روسیه در بندر هاوانا)

نظر اکثریت آگاهان بر این است که سپیده دم نظم جهانی آتی که شالوده آن ریخته شده است در سال ۱۱ - ۲۰۱۰ در افق آشکار خواهد شد. این نظم برپایه جهان چند قطبی خواهد بود. اصحاب منافع در آمریکا با کمک یکدیگر اوباما را روی کار آوردند تا ظاهر این دولت تغییر یابد و با این کار شاید مانع سقوط نظم یک قطبی شوند که موفق نخواهند شد.

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۲۰ دسامبر سال ۱۹۲۲ از مناطق تشکیل دهنده امپراتوری روسیه به وجود آمده بود و خطوط مرزی جمهوری ها که بارها تغییر یافته بود جدی و طبیعی نبود و اگر انسجام گذشته را به دست نیاورد به صورت یک کانون بحران دائمی در خواهد آمد. بحران های جاری جهان در قطعات منفصله امپراتوری های سابق مشاهده می شوند: وضعیت عراق و افغانستان در امپراتوری باستانی پارسیان، مسئله هند و پاکستان در امپراتوری هندوستان، مسائل فلسطین، لبنان، کوزوو و . . . در امپراتوری عثمانی، مسائل گرجستان، اوکراین و . . . در امپراتوری روسیه و مسائل آفریقا بویژه کشتارهای کنگو و رواندا و . . . به علت تقسیم قبایل میان چند کشور و ترسیم خطوط مرزی در دفاتر دربسته در اروپا که هر قبیله آفریقایی پیش از استعمار اروپا برای خود یک امپراتوری بود. جهانیان تغییر نظم جهانی را باید مرهون ایستادگی و کوتاه نیامدن کوبا، مساعی و سیاست های ولادیمیر پوتین، هو جینتاو، هوگو چاوز، اندرزهای فیدل کاسترو و اتحاد لاتین های آمریکا، پیشرفت های تکنولوژیک هند، مبارزات ضد گلوبالیزاسیون اقتصاد (استثمار نو) و مقاومت عراق بدانند.

چند نمونه از کارهای پوتین که از ضربات واپسین برپیکر نظام یک قطبی تلقی شده است عبارتند از تحکیم همکاری کشورهای صادرکننده گاز طبیعی در نشست مسکو، قطعیت تحویل سیستم ضد هوایی بسیار پیشرفته "اس - ۳۰۰" به ایران برای دفاع از تاسیسات اتمی و حساس خود برغم اعتراض شدید آمریکا و اروپای غربی، وکشورهای دیگر، فرستادن ناوگان به دیدار از بندر هاوانا (۹۰ مایلی ایالات متحده) و استقبال رائل کاسترو از این ناوگان، تهدید نگوها و عوامل جاسوسی خارجی در خاک روسیه به سرکوبی سخت، تنظیم لایحه تعمیم و گسترش یافته تعریف خیانت و تسلیم آن به دوما (مجلس روسیه) که رسانه های این کشور را هم دربست در خدمت وطن و منافع و مصالح ملت قرار خواهد داد و به تصویب رسانیدن قانون ضد فساد اداری اقتصادی و از جمله اجبار به تنظیم اوراق از کجا آورده ای؟ و تسلیم منظم آن به مقامات مربوط است که رشوت و سوء استفاده از مقام را کاهش و پایان خواهد داد زیرا که با تصویب و قانون شدن دوره ریاست جمهوری در روسیه از چهارسال به شش سال (از سال ۲۰۱۲)، پوتین تا دو دهه دیگر بر سر کار خواهد بود. از سال ۲۰۰۴ ولادیمیر پوتین مرد نیرومند روسیه برنامه هایی را دنبال می کند که به تحکیم وضعیت جامعه مشترک المنافع خواهد انجامید و انقلابهای مخملی طرح غرب در اوکراین و گرجستان به این تلاش او کمک بسیار کرده است. برنامه های پوتین زیربنای ناسیونالیستی دارد.

از آنجا که اینترنت و رادیو \_ تلویزیونهای ماهواره ای دارند قدرتی موازی ارتش ها می شوند و بدون خونریزی و صرف هزینه سنگین برنامه های نفوذ (کار روابط عمومی دولت متبوع) را اجرا می کنند لازم است که دولت مسکو در این زمینه هم عقب نماند.

## ولادیمیر پوتین و احیای امپراتوری روسیه



مردم آمریکا با رویه اتخاذ شده و دوگانه آمریکا در مورد مسائل جهانی مخالفند. در این زمینه تظاهرات گسترده مردم آمریکا در آغاز تدارک حمله به عراق قابل ذکر است. عمل آمریکا در اوستیای جنوبی و آبخازی گزینشی است و برای تامین خواسته‌های خود و تامین منافع بیشتر و زیر یا گذاشتن منافع دیگر کشورها و ملتها صورت می‌گیرد. دولت آمریکا مانند مغولها عمل می‌کند و ویران می‌کند و آباد نمی‌کند. جهانگیر است ولی جهاندار نیست. در عراق و افغانستان ویرانی بی‌ار آورده ولی عمران و بازسازی نمی‌کند و نخواهد کرد. حکومتی در برابر ملت خود سرفراز خواهد بود که با درایت و دور اندیشی و بدور از تعصب و عصبانیت و با حوصله مدیریت کند. سیاست علم و هنر مصالحه است و نه خشونت و پرخاشگری.

پوتین با لحنی صریح و بدون پرده پوشی گفت: غرب از نا امن کردن روسیه دست برداشته است ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در يك مصاحبه مطبوعاتی سه ساعته که اواخر دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد و در آن ۶۹۰ روزنامه نگار شرکت جسته بودند به ۵۱ سؤال پاسخ گفت. وی در این مصاحبه عمومی که برخلاف مصاحبه های سابق محدودیت زمانی نداشت به هدفهای غرب از منزوی کردن روسیه و ادامه سیاست «دوبل ستاندارد» این بلوک در قبال مسائل جهانی از جمله انتخابات (دمکراسی) اشاره کرد. وی گفت: وقتی ما در چنین انتخابات برگزار می کنیم می گویند که انتخابات در يك محیط نا امن؛ «دقیق» نیست ولی در افغانستان و عراق چنین انتخاباتی درست است و ایراد ندارد، در افغانستانی که «انگشت زدن (به دلیل بی سواد بودن رای دهنده)» نشانه دقت آراء بود! و . . . پوتین گفت که انتخابات آمریکا هم چنگی به دل نمی زد و ما شاهد نقص ها و ضعف های آن بودیم.

پوتین هنگام بحث از انتخابات اوکراین، الکساندر کواسنیوسکی رئیس جمهوری لهستان را مورد حمله مستقیم قرار داد و گفت: فرصت طلبانی از جمله رئیس جمهوری لهستان که از دوران نوجوانی در خدمت شوروی بود و... برای خوش خدمتی به غرب می گوید که برای یک ابر قدرت (آمریکا) بهتر است که روسیه بدون اوکراین باشد.

پوتین تا کنون این چنین حمله ای مستقیم به «فرد» نکرده بود. وی اشاره کرده است که اسنادهای رئیس جمهوری لهستان که پیش از فروپاشی شوروی سنگ این دولت را به سینه می زد نزد ماست و این چنین تغییر رنگ دادن تعجب آور است. (کواسنیوسکی اخیرا اشاره کرده بود که نزدیک شدن بیشتر روسیه و اوکراین به یکدیگر به سود منافع آمریکا نخواهد بود و سؤال کرده بود چرا باید ۵۰ میلیون اوکراینی در حرکت تازه روسیه که می خواهد بار دیگر وارد امور بین المللی شود با این کشور باشند؟. به سود جهان خواهد بود که اگر اوکراین جدا از روسیه باشد.)

پوتین در مصاحبه خود نه تنها به سوابق فعالیت کواسنیوسکی در کمسول حزب کمونیست شوروی اشاره کرده بود بلکه گفته بود کواسنیوسکی این حرفها را به این خاطر زد که شغل پردرآمدی را برای خود در يك کمپنی مخابراتی، پس از پایان دوره ریاست جمهوری اش محرز سازد .

پوتین در این مصاحبه نشان داد که آمریکا و متحدانش تلاش دارند که روسیه را منزوی و نا امن کنند و کوشش دارند که به هر بها، نامزد هوادار غرب را در اوکراین نگهدارند. وی گفت که برغم نگاه شخصی دوستانه جورج بوش به شخص وی، پشت سر مساعی بعضی نیروها برای ناامن کردن روسیه، دولت آمریکا قرار دارد. اینها نمی خواهند روسیه وارد اقتصاد جهان شود و زندگی عادی داشته باشد.

پوتین در مصاحبه خود از مداخله آمریکا در امر فروش يك شرکت نفتی روسیه انتقاد کرد و گفت: اطمینان دارم قاضی دادگاه شهر هوستون (آمریکا) که رای به مخالفت با فروش این کمپنی داده بود که بدهی مالیاتی داشت نمی داند که روسیه در کجای دنیا واقع شده و دولتی مستقل است. ما می دانیم که در دهه ۱۹۹۰ دارای ملت ما چگونه به تاراج رفت و می خواهیم اموال ملی را مسترد کنیم و کسی هم نمی تواند و قادر نخواهد بود ما را از محافظت منافع خود بازدارد.

خبرنگارانی که در مصاحبه شرکت داشتند نوشته اند که پوتین از استقرار نیروهای آمریکایی در آسیای میانه و آموزش نظامیان گرجی توسط آنان خشمگین بود و اشاره کرد که غرب پشت سر حوادث سال گذشته گرجستان بود و نام آن را «انقلاب مردم» میگذارد و می خواهد که این انقلاب ساختگی را به سایر کشورهای مشترك المنافع گسترش دهد و از اوکراین شروع کرده است.

برخی از مفسران غرب، هدف از برگزاری این مصاحبه را که چهار روز پیش از انتخابات دور دوم اوکراین بود زیر سؤال بردن انتخابات سایر کشورها و انتقاد از روش غرب و به ویژه آمریکا در ادامه سیاست «استاندارد مضاعف» تلقی کرده بودند. این مفسران سپس به سلطه روسیه بر لهستان در طول قرنها و تا همین اواخر اشاره کرده بودند که دو ملت همزاد هستند. رسانه ها آزمایش راکت مافوق و پیشرفته «توپول - ام» با بردی برابر یازده هزار و دوصدکیلومتر را از يك سکوی متحرك که همزمان با انتشار مصاحبه پوتین صورت گرفت نوعی قدرت نمایی روسیه و پشتوانه اظهارات پوتین به شمار آورده بودند. گفته شده است که این راکت که آماده استقرار در واحدهای نظامی روسیه است قابل رهگیری توسط راکتهای ضد راکت نیست و در چند ماه گذشته روسیه چهل دستگاه از آن را برای تحویل به نیروهای مسلح خود آماده ساخته است. متن کامل مصاحبه پوتین که از دو شبکه تلویزیونی روسیه پخش شد در سایت اینترنتی کرملین نیز قرار گرفته بود تا مورد استفاده مورخان تاریخ جاری قرار گیرد .

## دکترین جدید نظامی روسیه



نیکلای پاتروشف سکرترمسول شورای امنیت فدراسیون روسیه در مصاحبه ای با روزنامه دولتی روسی راسیسیکایا گازیتا اظهار داشت که پیشنویس دکترین نظامی جدید روسیه که در آن وضعیت واردسازی ضربه هسته ای به متجاوز و از جمله ضربه بازدارنده، تبیین شده است، هم اکنون آماده می

باشد. در تاریخ معاصر روسیه این سومین ویرایش دکترین نظامی خواهد بود. اسناد پیشین در سالهای ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰ تصویب شده بودند. اما زندگی ثابت نیست. بعنوان مثال، اگر در سال ۱۹۹۳ بر این عقیده بودیم که امکان مناقشه نظامی منتفی است، اکنون توسعه اوضاع در جهان نشان داد که این ها (مناقشات)، حتی در مقیاس گسترده ممکن هستند. در سند جدید، خطرات جدید نظامی، از جمله مبارزه بر سر سوخت و انرژی و سایر منابع با جذب نیروهای مسلح، گسترش ناتو، گسترش سلاح کشتار جمعی و از جمله سلاح هسته ای و تروریسم بین المللی بازتاب یافته اند.

در دکترین نظامی قید شده است که روسیه مهمترین وظیفه خود را جلوگیری و بازداری از راه اندازی هرگونه مناقشه نظامی می داند. در عین حال خاطر نشان می شود که روسیه استفاده از نیروهای نظامی بمنظور پاسخگویی به اقدامات متجاوزانه علیه خود و یا علیه متفقینش، حفظ و یا احیای صلح بنا به تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر ساختارهای امنیت مشارکتی را قانونی می داند. تکامل بخشیدن به صنایع دفاعی نیز از راستاهای دارای اولویت در دکترین جدید نظامی است. مفاد مندرج در پیشنویس این سند در رابطه با مشکلات سلاح هسته ای به گونه ای تنظیم شده اند که جایگاه روسیه را بعنوان قدرتی هسته ای که می تواند در رابطه با دشمنان بالقوه متوسل به بازداری هسته ای شده و نیز از راه اندازی اقدامات متجاوزانه علیه خود و متفقینش به روش هسته ای بازداری کند، محفوظ می دارند. امکان استفاده از سلاح هسته ای باتوجه به شرایط و اوضاع و مقاصد دشمن احتمالی در نظر گرفته می شود. در اوضاعی که برای امنیت ملی بحرانی باشد، واردسازی ضربه هسته ای به متجاوز و از جمله ضربه بازدارنده غیرممکن نیست. ما تایید می کنیم که آماده حرکت به پیش و متمایل به ایده جهان بدون سلاح هسته ای هستیم. اما بدین منظور لازم است که نه تنها روسیه و آمریکا از سلاح هسته ای امتناع کنند، بلکه سایر کشورهای عضو باشگاه هسته ای که فعلاً موضع انتظار را اتخاذ کرده اند نیز از این الگو پیروی کنند. همانند تصحیحات تصویب شده در ماه اکتبر سال جاری در قانون دفاعی کشور که استفاده سریع از نیروهای مسلح روسیه در خارج از کشور را در نظر دارد.

همچنان روزنامه اینترنتی روسی گازیتا رو طی مقاله ای بحث پیرامون ضرورت داشتن یا نداشتن کاهش تسلیحات هسته ای را آغاز کرده و نوشت: آیا لازم است که ذخایر سلاح هسته ای قدرت های پیشرو کاهش یابد؟ آیا خلع سلاح هسته ای روسیه در شرایطی که در مدت اخیر قدرت های هسته ای جدید پدیدار می شوند، معقول است؟ هند و اسرائیل بعلت احاطه شدن از سوی کشورهای دشمن به سلاح هسته ای دست یافته اند و تهدیدی برای ما نیستند. اما ایران هسته ای تهدیدی برای تمام جهان خواهد بود و از جمله برای روسیه. کوریای شمالی با بمب های اتمی و راکت های خود نه تنها از سنول، بلکه از توکیو و واشنگتن هم باج می گیرد.

ایران و کوریای شمالی بهیچ وجه نمی توانند کشورهای دوست روسیه شمرده شوند، اما اینها در مقایسه با آنچه که در آینده نزدیک می تواند در پاکستان رخ دهد، فرشته هستند. بیشتر پاکستانی ها، تعداد زیادی از نظامیان و مامورین پولیس، تا حدی با تندروها همدردی می کنند. حال تصور کنید: پاکستان با بیش از یکصدوپنجاه میلیون نفوس، با اقتصادی نسبتاً قوی، اردوی ۶۰۰ هزار نفری و سلاح هسته ای. در منطقه قبیله نشین پاکستان، جایی که طالبان حکومت دارد، هزاران جنگجو مستقر شده اند که از چین، داغستان، ازبکستان و تاجیکستان گریخته اند. علاوه بر این، برای پاکستان، روسیه همواره متفق هند، کشور منفور پاکستان بوده است.

چین نیز هست. صعود اقتصادی چین، روابط آن با روسیه را از ریشه دگرگون، و آن را به برادر بزرگ کشور ما تبدیل کرده است. دیپلماسی چینی کاملاً هنرمندانه است، چین از همه نظر صلح دوستی خود و احترام به همه کشورها، بویژه به کشور ما را نشان می دهد. چینی ها نسبت به روسیه و روس ها تنفری ندارند. تنها چین مقتدرتر از روسیه می شود و نیاز به منابع ما دارد. سلاح هسته ای، شوخی خطرناکی است.

اما اگر آن نبود، جنگ سرد سال های ۱۹۴۶ تا ۱۹۸۸ به احتمال زیاد تبدیل به جنگ داغ می شد. تنها وجود سلاح هسته ای در شوروی و چین بود که نگذاشت برخوردها در دامانسک و حومه سمیپالاتینسک به جنگی تمام و کمال با میلیون ها قربانی تبدیل شوند. در عین حال، روسیه می بایست نه تنها به حفظ پتانسیل هسته ای خود، بلکه پتانسیل هسته ای آمریکا، بریتانیا، فرانسه و هند نیز فکر کند. و روابط ما هر طور هم که باشد، باز هم این ها کشورهایی کاملاً قابل پیشبینی هستند.

منابع : ریانووستی، نشریه های احزاب چپ مترقی و منابع روسی.

یکشنبه، ۱۳ دسامبر ۲۰۰۹

**توجه!**

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©2006Esalat

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)